

بین دو حوزه پژوهش و توسعه است. توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، که به چاپ سوم رسیده در حقیقت گزیده‌ای از مقالات مؤلف است که در آن ضمن بررسی نظریه‌های مختلف توسعه، به مشکلات موجود در کشورهای جهان سوم و از آن جمله ایران در نیل به توسعه اشاره شده است. در این خصوص، بنیانهای فرهنگی توسعه، جایگاه نخبگان در توسعه و ابعاد ساختاری توسعه مورد بحث قرار گرفته که همگی برای دست‌اندرکاران امر توسعه در کشور، ضروری تلقی می‌شود.

در کتاب «عقل و توسعه یا فتگی»، به شکل دقیقتری از ظرایف نظری فرایند توسعه سخن به میان آمده است و مؤلف تلاش نموده که موضوع را از جنبه روش‌شناسی به بحث بگذارد.

سوالات این گفتگو به گونه‌ای تنظیم شده که ضمن روشن نمودن ابعاد جدیدی از بحث توسعه، به نوعی برگرفته از تألیفات فوق‌الذکر بوده و معرف دیدگاه عمومی آقای دکتر سریع‌القلم باشد. بدینوسیله از استاد محترم که دعوت «کتاب ماه علوم اجتماعی» را برای مصاحبه پذیرفتند و نیز از آقای اصغر افتخاری که تلاش عالمانه خود این گفتگو را ترتیب دادند، قدر دانی می‌کنیم.



پژوهش و توسعه

در گفتگو با دکتر محمود سریع‌القلم

● موضوع توسعه اگرچه امری مهم و حیاتی برای ما به شمار می‌آید، لکن متأسفانه در داخل کشور، کمتر در مورد آن پژوهش جدی به عمل آمده و ما همچنان از داشتن پژوهش‌های خودی برای طراحی الگوی بومی توسعه، محروم هستیم. به نظر جنابعالی علت این نقیصه چیست؟

○ موضوع توسعه، در قالب الفاظ دیگری همچون پیشرفت، ترقی و تعالی از مدت‌ها قبل در جامعه ما مطرح بوده است. بنابراین محافل علمی ما و حتی عامه مردم با آن بیگانه نیستند و توسعه برای آنها چیز جدیدی به حساب نمی‌آید. البته اینکه هر کشوری باید به تناسب شرایط داخلی و منطقه‌ای خود و با عنایت به فرهنگ و مقتضیات زمان و مکان، اقدام به طراحی یک الگوی خاص برای توسعه بنماید، حقیقتی است که تجربه بشری در سطح جهان آن را تأیید می‌کند و ما هم باید در همین راستا گام برداریم. ما به عنوان یک کشور میان پایه که در یک منطقه بحرانی قرار گرفته‌ایم، کشوری که دارای آرمان‌های متعددی است و از حیث نگرش کلی، دو بعدی بودن حیات - مادی و معنوی - را جدی می‌گیرد، باید نسبت به این جنبه، توجه زیادی داشته و به دنبال طراحی چنین الگویی از توسعه باشیم. این کار به دلایل مختلف تاکنون انجام نشده و به نظر می‌رسد بیشتر از ویژگیهای فرهنگی و عملکرد سیاسی ما ناشی می‌شود. حدود دویست سال است که بنیة ساختن ما ایرانیان به شدت ضعیف شده است. حوزه اندیشه ما دچار نابسامانی است چرا که در به هم زدن نظم موجود هنرمندتر است تا ایجاد یا اصلاح یک نظم. انجام پژوهش ملی در باب توسعه، اصولاً با توجه به چند متغیر اصلی شکل گرفته و هدایت می‌شود که عدم درک صحیح ما از هر یک از این متغیرها می‌تواند به عنوان یک مانع اصلی بر سر راه شکل‌گیری حوزه پژوهشی توسعه مطرح باشد. یکی از متغیرها توجه به تجارب کشورهای دیگر برای رسیدن به توسعه است.

می‌شوند که همگی ریشه در درک ما از توسعه دارد. به همین خاطر توجه جدی به حوزه پژوهش در توسعه، برای فهم هرچه بهتر معنای واقعی جامعه مدنی نیز ضروری به نظر می‌رسد از این رو، با آقای دکتر سریع‌القلم که پژوهشگر، مؤلف و مدرس این عرصه هستند، باب گفتگوی تازه‌ای را گشوده‌ایم.

دکتر سریع‌القلم، حاصل مطالعات خود در این مقوله را، در آثار مختلف خود عرضه داشته و به تحلیل موضوع از زوایای گوناگون پرداخته‌اند. در این میان مقاله «اصول ثابت توسعه» که در سال ۱۳۶۹ در ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی (شماره ۳۵) به چاپ رسید، از این حیث که متضمن ارائه یک راهکار عملی برای نیل به توسعه‌ای بومی در ایران می‌باشد، قابل توجه می‌نماید. از ایشان دو کتاب درباره توسعه به چاپ رسیده که موضوع اصلی آن، برقراری ارتباط

یکی از ویژگی‌های مباحث اجتماعی و سیاسی در کشور ما طرح موسمی آنها می‌باشد. بدین معنی که این سقاچیم همچون موجی در سطح جامعه طرح و گسترش می‌یابند و پس از مدتی فروکش کرده از عرصه مباحث علمی و اجتماعی حذف می‌شوند. غالباً این‌گونه است که با طرح یک مفهوم تازه، مباحث گذشته تحت‌الشعاع قرار گرفته و ارباب جزایر و صاحبان اندیشه، موضوع جدید را در معرض بحث و گفتگو و پژوهش قرار می‌دهند.

در باب توسعه نیز گمان بر این است که چنین اتفاقی رخ داده و مفهوم جامعه مدنی جای آن را گرفته است. اما با فروکش کردن حساسیت‌های تبلیغاتی و آرایه نقطه نظرات علمی در خصوص جامعه مدنی، به نظر می‌رسد که هنوز موضوعات مربوط به توسعه از اهمیت برخوردارند. امروزه مسایل متعددی در ذیل عنوان جامعه مدنی طرح و بررسی

طراحی برنامه توسعه به مشارکت جامعه‌شناسان، روانشناسان، عالمان سیاست و ژئوپلیتیک، اقتصاددانان و آگاهان به مسایل انرژی نیازمند است. مهندسان در انجام این مهم، نقش طبیعی خود را خواهند داشت. اما این نقش، تعریف شده و مشخص است و به هیچ وجه نقش برتر و حاکم نیست.

تجربه کشورهای میان پایه‌ای همانند مالزی، اندونزی و کره جنوبی برای ما که در موقعیت نسبتاً مشابهی قرار داریم بسیار مهم و حساس است. ما باید بدانیم که الگوی توسعه غربی تکرار شدنی نیست و هر کشوری باید سعی کند خودش الگوی بومی توسعه را طراحی و اجرا کند. اما بدون استفاده از دستاوردهای جهانی نیز نمی‌توان کاری جدی انجام داد. بنابراین می‌توان از کشورهای دیگر که این راه را پیاده‌اند و یا در حالی طی کردن آن هستند، درس گرفت و سپس به حل مسایل داخلی پرداخت.

متغیر دوم، داشتن یک برآورد علمی از موقعیتی است که در آن به سر می‌بریم و این نکته بسیار مهمی است که غفلت از آن به هیچ وجه جایز نیست. این برآورد دارای دو رکن اصلی کمی و مطالعاتی می‌باشد که در مجموع مستقل از سیاست روز عمل می‌کند. بنظر اینجانب در هر کشوری که خواهان دست‌یابی به توسعه است باید یک کانون و نهاد مشخص برای برنامه‌ریزی وجود داشته باشد که به فرآیند توسعه تمرکز داده، جریان کلی را هدایت نماید. کشورهایی در زمینه توسعه موفق عمل کرده‌اند که اولاً یک مغز فکری یا یک نهاد سیاست‌گذار برای برنامه‌ریزی توسعه داشته‌اند. ثانیاً، این نهاد و کانون فکری به طور مستقل عمل کرده و در فضایی بالاتر از سیاست روز قرار داشته است. نکته مهم این است که در خصوص طراحی و تصمیم‌گیری، پراکندگی، یک آفت بزرگ محسوب می‌شود که باید مانع بروز و ظهور آن شد.

متغیر سوم، فهم دقیق تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای است. پژوهشگران حوزه توسعه باید بدانند که در چه ظرفی می‌اندیشند. ما باید مسیر قطار توسعه راه که هم‌اکنون با سرعت زیادی در حال حرکت هست، بشناسیم و تکلیف خود را با این جریان کلی روشن کنیم: کشورهای دیگر خواهان چه هستند؟ منطقه ما ایستن چه تحولاتی است؟ و بالاخره ما تا کدام ایستگاه خواهیم همراهی با این قطار هستیم؟

در مجموع، نکته اصلی بحث من در اینجا ضرورت وجود یک نهاد مرکزی برای طراحی و اجراء برنامه توسعه می‌باشد که فقدان آن در کشور ما آشکارا به چشم می‌خورد. افراد و نهادهای موازی متعددی با جهان‌بینی‌های مختلف در فرهنگ، اقتصاد، سیاست

خارجی و آموزش عالی دخیل هستند و نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری ما به شدت ملوک‌الطوایفی است. گذشته از این باید بدانیم که استقلال سیاسی، تأمین ملی، اتخاذ دیپلماسی صلح، علمی کردن فرآیند تصمیم‌گیری در کل کشور، انتقال حرکت کلی جامعه از قدرت سخت به قدرت نرم (یعنی بهره‌گیری از امکانات بالقوه کشور برای افزایش سطح ارتباطات خودمان با کشورها و فرهنگ‌های دیگر) و تطابق نظام آموزشی با اهداف ملی، همه از جمله نکات مهمی هستند که در زمینه توسعه باید به آنها توجه شود. به عنوان مثال: نظام آموزشی ما یک نوجوان را برای ورود به عرصه حیات سیاسی فعال در آینده، تصمیم‌گیریهایی عاقلانه و اهتمام و تلاش در امور مختلف، آماده نمی‌سازد و این نقیصه باید در حوزه پژوهش توسعه بررسی و برای رفع آن راه‌حلی پیشنهاد شود.

● پیوند میان پژوهش و توسعه در کشورهای توسعه یافته چگونه بوده است؟ آیا تجربه این کشورها می‌تواند برای ما نیز راه‌گشا باشد؟

○ کشورهای مختلف تجارب گوناگونی داشته‌اند که

استقلال سیاسی، تأمین منافع ملی، اتخاذ دیپلماسی صلح، علمی کردن فرآیند تصمیم‌گیری در کل کشور، افزایش ارتباطات با کشورها و فرهنگ‌های دیگر، تطابق نظام آموزشی با اهداف و نیازهای ملی، از جمله نکات مهمی هستند که در زمینه توسعه باید به آنها توجه شود.

در مجموع عملکرد کشورهای آسیایی بهتر بوده و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. همان‌گونه که در پاسخ به سؤال قبلی به اشاره بیان شد، وجود یک کانون و نهاد واحد برای سامان‌دهی به امور توسعه بسیار ضروری است. کشورهای دیگر از طریق همین کانون موفق به ایجاد ارتباطات مورد نظر شده‌اند. به عنوان مثال در ژاپن، وزارتخانه صنایع و تجارت بین‌الملل وجود دارد که چنین رسالت مهمی را عهده‌دار است. در کشور ما سازمان برنامه و بودجه وجود دارد که علی‌القاعده متولی این موضوع است. اما این صرفاً یک سازمان است. در غرب یک سیستم پیچیده وجود دارد و افراد در آن ایفای نقش می‌کنند. در کشور ما سیستم بسیار ساده است ولی افراد پیچیده هستند؛ در آنجا سیستم دستور کار دارد، در اینجا افراد به نظر می‌رسد تنها فرایند دستیابی به یک سیستم پیچیده کارآ، علم است و تا زمانی که ما دولتمداری علمی نداشته باشیم و مباحث فلسفی را پشت سر گذاشته وارد موضوعات حل المسائلی نشویم،

در این دایره عقلی برنامه‌ریزی و توسعه یافتگی ورودی نخواهیم داشت. اگر نهاد واحدی وجود نداشته باشد، برنامه توسعه، سیاست زده شده دستخوش تحولات روز می‌گردد. توسعه هر چه از سیاست روز فاصله بگیرد موفق‌تر است. توجه بفرمائید که سیاست روز لازمه حیات جوامع زنده است و نمی‌توان منکر آن شد. ولی مطلب مهم این است که سرنوشت کلی جامعه را نباید به نزاع‌های روزمره بر سر قدرت، پیوند زد. شرط اولیه توسعه وجود یک برنامه بلند مدت برای توسعه ملی است که در حوزه پژوهش مشخص می‌شود. این برنامه باید مبتنی بر اجماع صاحب‌نظران مربوط باشد و فقدان آن به معنای ضعف برنامه توسعه است. اینکه ما ایرانیان نمی‌توانیم با یکدیگر به توافق برسیم یک موضوع مهم روانی، خلقی و اجتماعی است که آثار آن را نزدیک به دوپست سال است مشاهده می‌کنیم. چون سیستم نداشتیم، خلقیات افراد حاکم شده و نتوانسته‌ایم به اجماع برسیم. برنامه‌ریزی و اجماع، در واقع، نوعی اتکاء به سیستم است که ما تا به امروز در ایجاد آن ناتوان بوده‌ایم. امیدواریم نسل‌های آتی از مانع خلقیات عبور کنند و در چانه‌زنی و پذیرش منطقی یکدیگر، از نسل فعلی و نسل‌های گذشته هنرمندتر باشد.

● برنامه‌های توسعه ج. ا. ایران را از حیث زیربنای پژوهشی آن، چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا آن پیوند حیاتی و اجماع مورد نظر در این برنامه‌ها وجود داشته یا خیر؟

○ پاسخ: بنظر اینجانب یکی از نقایص عمده برنامه توسعه در دوران پس از انقلاب، حاکمیت دیدگاه مهندسی بر آن است. مهندسان اگرچه قشر محترمی هستند لکن وقتی وارد حوزه مسایل سیاسی می‌شوند، به علت نداشتن آگاهی و بینش لازم در خصوص روندهای سیاسی در منطقه و سطح جهان، و بطور طبیعی بواسطه آشنا نبودن با ظرافتهای فهم مسایل علوم انسانی، نمی‌توانند موفق عمل کنند. طراحی برنامه توسعه به مشارکت جامعه‌شناسان، روانشناسان، عالمان سیاست و ژئوپلیتیک، اقتصاددانان و آگاهان به مسایل انرژی نیازمند است. مهندسان در انجام این مهم به طور طبیعی نقش خواهند داشت، اما این نقش تعریف شده و مشخص است و به هیچ وجه نقش برتر و حاکم نیست. به عنوان مثال در ژاپن از سیصد کارشناس در حوزه‌های مختلف برای طراحی برنامه توسعه کشور

تنها فرایند دستیابی به یک سیستم پیچیده کارآ، علم است و تا زمانی که ما دولتمداری علمی نداشته باشیم و مباحث فلسفی را پشت سر نگذاشته وارد موضوعات حل المسائلی نشویم، در این دایره عقلی برنامه‌ریزی و توسعه یافتگی، ورودی نخواهیم داشت.

در دو قرن آینده کمک گرفته می‌شود و اینچنین نیست که صرفاً گروه خاصی متولی تمام عیار تهیه برنامه توسعه باشند. پیدا کردن مکانیزم تلفیق بین این گروه‌های تخصصی امری حساس و مهم است که ما را از افت تک بُعدی عمل کردن حفظ می‌کند. در جامعه فعلی ما این نقیصه کاملاً مشهود است و مکانیزم تلفیق بین افکار تخصصی مختلف، خوب عمل نمی‌کند. شما از رده رئیس اداره به بالا در کشور ما چند نفر را معرفی بفرمایید که خود را متفکر ندانند. این روحیه عجیب خاورمیانه‌ای، مانع کار فکری، جمعی و ملی می‌شود. مهندسين در صحنه سیاست، نسبت به افراد متخصص در علوم انسانی مطیع‌ترند و لذا از آنها بیشتر استفاده می‌شود، تفکر حجره‌ای در مدیریت کشور، بسیار رواج دارد. اگر حوصله موشکافی داشته باشیم باید به ماهیت طبقاتی افراد نیز توجه کنیم. بدین ترتیب، ما قبل از ورود به مباحث محتوایی توسعه - که بسیار مهم است - یک مشکل روشی داریم و آن دست یافتن به مکانیزم تلفیق مناسب افکار است. تا زمانی که اعتقاد داشته باشیم فقط اندیشه من بر حق است و اندیشه نهایی می‌باشد، به راهکار مناسب دست نخواهیم یافت. ما باید از فرد محوری به سوی تحصیل اجماع برویم و در طراحی توسعه، جرد محور باشیم تا فرد محور. توجه به ساختار تصمیم، ضرورت فعلی جامعه ما می‌باشد که متأسفانه کمتر به آن توجه می‌شود.

● با توجه به عدم وجود اجماع مورد نظر جنابعالی در حوزه پژوهش توسعه، دیدگاه‌های متنوع و مختلفی اظهار شده که هر یک خواهان طراحی برنامه توسعه ملی به شکل خاصی بوده است. این دیدگاه‌ها را به چه صورت می‌توان طبقه‌بندی نمود؟

○ از یک منظر کلان در حوزه پژوهش، ما به دو رویکرد اصلی دست یافته‌ایم: در دهه اول پارادایم حاکم این بود که منشاء مشکلات کشور ما خارجی است. بنابراین تجویز عملی و کاربردی برای توسعه یافتن این بود: «حداقل اتکاء خارجی و توجه تمام عیار به استقلال». اما در دهه دوم، این رویکرد جای خود را به دیدگاهی داد که معتقد بود مشکلات ما بیشتر ریشه داخلی دارد. تجویز این گروه، سامان دهی به درون برای نیل به توسعه است. دلیل این گروه آن است که ما پس از انقلاب دارای استقلال بوده‌ایم و خودمان برای کشور تصمیم می‌گرفته‌ایم، لذا اگرچه مشکلاتی از خارج برای ما پدید آمده ولی در مجموع، موانع داخلی نقش مؤثرتری داشته‌اند. از نظر زمانی تا قبل از سال ۱۳۶۸ دیدگاه اول حاکم است و از سال ۱۳۷۰ دیدگاه دوم

● باید بدانیم که الگوی توسعه غربی تکرار شدنی نیست و هر کشوری باید خودش الگوی بومی توسعه را طراحی و اجرا کند. اما بدون استفاده از دستاوردهای جهانی نیز نمی‌توان کاری جدی انجام داد.

مقبولیت عام می‌یابد. فاصله زمانی ۶۸ تا ۷۰ نیز دوره تقابل این دو دیدگاه در داخل می‌باشد.

● گستره غلبه دیدگاه دوم تا چه میزان است و آیا توانسته به یک اجماع تبدیل شود؟

○ این دیدگاه در سه حوزه توانسته جلب توجه نماید: اول در میان افرادی که اهل فکر بوده و نسبت به مسایل توسعه حساس هستند. دوم در میان عامه مردم که به طور اجمالی با مباحث توسعه در ارتباطند. سوم در میان محققان مشغول به کار در مراکز پژوهشی دولتی. بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد که این دیدگاه تا حد زیادی به اجماع تبدیل شده است.

● اگر چنین اجماعی حاصل آمده، چرا سیاست عملی متأثر نشده و در قالب این پارادایم تازه عمل نمی‌کند؟

○ اجماع مذکور فقط بر روی کاغذ حاصل آمده است. یعنی سیاست عملی ما هنوز به چنین اجماعی نرسیده است.

● در این صورت علت مقاومت حوزه سیاست عملی در مقابل این اجماع گسترده چیست؟

○ این کار محتاج زمان و تحقق مباحث منطقی است. طرفداران پارادایم جدید باید به گفتگوهای

◀ دستیابی به توسعه مستلزم وفاداری به چند اصل است: توانمندسازی فکری و سازماندهی نخبگان سیاسی، علم‌گرایی، نظام آموزشی پویا، نظام قانونی قابل اتکاء، نظم‌گرایی، آرامش اجتماعی و فرهنگ اقتصادی کارآمد.

علمی خود و تحکیم مبانی عقلی استدلال‌هایشان ادامه بدهند. به عبارت روشن‌تر، به هیچ‌وجه این اجماع نباید خودش را تحمیل کند. آثار مخرب و منفی تحمیل، ما را از دست زدن به چنین کاری باز می‌دارد. توصیه اینجانب استمرار گفتگوها و تقویت بنیان‌های نظری این اجماع می‌باشد تا در نهایت از سوی مجریان سیاست عملی نیز مورد پذیرش و عمل قرار گیرد.

● یکی از دیدگاه‌های قابل توجه در باب توسعه، «اصول ثابت توسعه» می‌باشد که توسط جنابعالی مطرح گردید. این دیدگاه مورد ارزیابی انتقادی نیز قرار گرفت که در سطح مطبوعات و نشریات تخصصی منعکس شد. با نگاه به مجموعه نقدهای بیان شده، معلوم می‌شود که وصف «ثابت» برای آن اصول مورد سؤال جدی بوده است. جنابعالی پس از گذشت زمان قابل توجهی از طرح آن دیدگاه و مشاهده نقدهای ایراد شده، اصول ثابت توسعه را چگونه می‌بینید؟ آیا حکم و اصلاحی در آن اعمال کرده‌اید یا خیر؟

○ آنچه در مقاله «اصول ثابت توسعه» برای اولین بار ذکر شد، این است که کشورهای توسعه یافته در نیل به موقعیت کنونی‌شان به چند اصل توجه کرده و نسبت به آن حساس بوده‌اند. این اصول عبارت‌اند از: توانمندسازی فکری و سازماندهی نخبگان سیاسی،

علم‌گرایی، نظام آموزشی پویا، نظام قانونی قابل اتکاء، نظم‌گرایی، آرامش اجتماعی و فرهنگ اقتصادی کارآمد. البته وصف ثابت به خاطر اینکه بار فلسفی خاصی دارد مورد چالش قرار گرفته است در حالی که غرض اصلی، بیان این مطلب و واقعیت خارجی بوده که تجربه مشترک بشری این هفت اصل را در اختیار ما قرار می‌دهد. بنابراین، نقدهای وارده در مقام لفظ و اصطلاح بوده تا محتوا و بنظر می‌رسد که چندان در طراحی چارچوب اصلی این نظریه خدشه‌ای وارد نسازد. هدف این چارچوب فکری تحت عنوان اصول ثابت توسعه این بوده که فهم محیط جهانی و ظرف وسیع بین‌المللی را در طراحی‌های داخلی دخیل نماید. ما در فرهنگ سیاسی معاصر خود پیوسته «کره اختلاط» با محیط بین‌المللی را داشته‌ایم که البته تحت تأثیر تجربیات تلخ ما در دوره استعمار است. ولی اگر به آینده نگاه نکنیم، چگونه می‌توانیم با رقابای خود رقابت کنیم. بحث اصول ثابت توسعه به مشترکات بشری توجه می‌کند. وقتی گاندی به استقلال هند دست یافت به انگلیس گفت که از این به بعد، روابط ما با شما بر اساس قواعد و قوانین شفاف است. دوره استعمار و استثمار تمام شد. این روحیه عقلی و منطقی است. دیگر در عقده‌های تاریخی گرفتار نیست. استحکام در درون به استحکام در برون منتقل می‌شود.

اصول ثابت توسعه، یک بحث دیگری را نیز مطرح می‌کند و آن اینکه روحیه نخبگان یک کشور بسیار تعیین کننده است که آنرا بعنوان اصل اول و تعیین کننده آورده‌ایم.

بحران اندیشه سیاسی در ایران این بوده که غالباً به دنبال از بین بردن بوده است تا ساختن. ایجاد نظم و بنای نظم اجتماعی هم در تفکر هم در خلیقات و هم در عمل فوق‌العاده غریب است. مثلاً در تفکر و تجربه آلمانی، درست کردن، اصلاح کردن و بنا کردن اصل است. ما هم در این روند جهانی تا بحال نتوانسته‌ایم ساختمان فکری خود را بنا و سپس عرضه کنیم که من مشکل عمده را به پیروی از نکته اساسی مرحوم جمالزاده در سال ۱۳۳۳، خلیقات ما ایرانیان می‌دانم: همچین چون ما خیلی فلسفی می‌اندیشیم، مفهوم قدرت را و کسب قدرت به معنای اقتصادی و علمی آن را درک نمی‌کنیم. البته اگر سهل می‌بود، تمام دنیا نیز صنعتی می‌شد. این فهم، یک نوع کیفیت در روح و روان و اندیشه و خلیقات است که با زحمت بدست می‌آید.

من عموماً از همکاران و هم‌سنگران علمی خود، در باب بحث اصول ثابت توسعه، همفکری مشاهده کرده‌ام. بعضاً این نکته را گوشزد کرده‌اند که بحث محتاج بسط است که من زوایای مختلف آنرا در عرصه توسعه سیاسی، فرهنگ عمومی و روش تفکر دنبال می‌کنم. اصول ثابت توسعه این استعداد را دارد که حوزه اندیشه داخلی را از یک مدار احتمالاً انعطاف‌ناپذیر به تواضع در فهم تحولات جهانی و علمی جهانی سوق دهد. □